

نقش آموزش و پرورش فرهنگی در توسعه شخصیت دانش‌آموزان؛ مطالعه موردی دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر یزد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

کد مقاله: ۳۰۶۹۱

زهرا سعید^{۱*}، فرشاد قاسمی^۲

چکیده

با محوریت ارتباط آموزش با ارزش‌ها، اخلاقیات، و هویت فردی، مقاله نشان می‌دهد که چگونه آموزش و پرورش فرهنگی می‌تواند به بهبود تفکرات، احساسات، و رفتارهای دانش‌آموزان کمک کرده و در تشکیل شخصیت آنان نقش بسزایی داشته باشد. در این تحقیق به بررسی نقش حیاتی آموزش و پرورش فرهنگی در تقویت و توسعه شخصیت دانش‌آموزان پرداخته می‌شود. با تأکید بر تأثیر گذاری بر ارزش‌ها، اخلاقیات و هویت فردی، آموزش و پرورش فرهنگی به عنوان عاملی کلیدی در شکل‌دهی بهتر شخصیت دانش‌آموزان معرفی شده است. بر اساس ارائه‌های نظریه‌های تعلیم و تربیت، یادگیری اجتماعی و روانشناسی هویت، این مقاله به بررسی مفاهیم مختلفی پرداخته و ارتباط آنها با توسعه شخصیت دانش‌آموزان را تبیین کرده است. روش تحقیق مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی با مشارکت دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم و روانشناسان شهر یزد می‌باشد. در پایان، پیشنهاداتی ارائه شده که بهبود برنامه‌های آموزشی، افزایش دسترسی به فعالیت‌های فرهنگی و هنری، توجه به نقش خانواده و بهره‌گیری از تکنولوژی در آموزش را در جهت تقویت توسعه شخصیت دانش‌آموزان توصیه می‌کند.

واژگان کلیدی: دانش‌آموز، آموزش و پرورش، فرهنگ، شخصیت.

۱- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، (نویسنده مسئول) Zahra.saeid.92@gmail.com

۲- کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه گیلان

امروزه به دلایلی از جمله سرعت شگفت‌انگیز ارتباط و تبادل اطلاعات از جهان انسانی با همه وسعت آن، به عنوان دهکده جهانی نام برده‌اند. سرعت انتقال داده‌ها و اطلاعات علمی و فرهنگی به گونه‌ای است که گویا مرزهای زمانی و مکانی را در نوردیده است و در اندک زمان ممکن فراتر از مرزهای جغرافیایی فرهنگ‌های اصیل و غیراصیل ساکنان کره خاکی را تحت سیطره نفوذ و تأثیر سازنده ویا ویرانگر خود قرار داده است از آن جا که فرهنگ هر قوم و ملت خمیر مایه حیات ادبی و سرچشمه تراوش دانش و معرفت و از ارکان بقاء و ثبات آن قوم و ملت به شمار می‌رود، شناخت به روز آسیب‌ها و آفات و بیماری‌های فرهنگی به منظور پیشگیری مناسب و به موقع و حداقل به منظور انتشار بانگ هشدار باش و اعلان آهنگ بیدار باش در مقابل هجوم فرهنگی خسارت بار بیگانگان امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا لحظه‌ای درنگ و غفلت و بی‌توجهی جامعه را چه بسا گرفتار بحران هویت فرهنگی گرداند (رهنمایی، ۱۳۸۹: ۲۵).

فرهنگ عبارت است از مجموع موارث اجتماعی که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد یعنی آداب و سنن، اخلاق و رسوم اخلاقی، فلسفه، هنر، ادبیات، علم و مجموعه ابداعات و اختراعات انسان به صورت وسایل زندگی و ابزار تولید در هر جامعه‌ای فرهنگ آن جامعه به حساب می‌آید. فرهنگ دو جنبه مادی و محسوس و غیر مادی و نامحسوس مانند (فکر و عقیده) دارد. شکاف در سازش بین فرهنگ مادی و غیر مادی به پس افتادگی فرهنگ منجر می‌شود همچنین پس افتادگی می‌تواند ناشی از تفاوت‌های گروهی و طبقات اجتماعی باشد تجارب عملی و افکار و عقاید یعنی فرهنگ مادی و غیر مادی، تنها با ایمان به ارزش آنها ادامه می‌یابد (فرجاد، ۱۳۸۷: ۲۳۷).

آموزش و پرورش فرهنگی به عنوان یکی از عوامل حیاتی در تربیت نسل‌ها و توسعه جامعه، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به شخصیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند. در دنیای امروز، توجه به جوانان به عنوان سرآغازی برای پیشرفت و تحول اجتماعی لازمه است (آقاخانی، ۱۳۹۸: ۳۴۹). آموزش و پرورش فرهنگی نه تنها به انتقال دانش و مهارت‌های تحصیلی محدود نمی‌شود، بلکه به ارتقاء ارزش‌ها، اخلاقیات، و هویت فردی افراد می‌پردازد. این عمل به عنوان یک فرآیند جامع، نقش فعالی در پیشبرد اهداف توسعه شخصیت دانش‌آموزان دارد؛ چرا که آنها را به شکل‌گیری نگرش‌ها و اراده‌های مثبت تشویق می‌کند. در این زمینه، مهمترین چالش این است که چگونه آموزش و پرورش فرهنگی را به‌طور هماهنگ و متناسب با نیازها و خصوصیات هر دانش‌آموز اجرا کرد. از طرف دیگر، توجه به تعاملات اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان نیز اساسی است تا فرآیند آموزش و پرورش، به یک تجربه یادگیری گسترده و عمیق تبدیل شود (نجفیان و جعفری، ۱۳۹۵: ۵۰۵).

آسیب شناسی فرهنگی طبعاً به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و عناصر شکل‌دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. آسیب‌هایی این چنین صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که بر مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، آن چنان در متن فرهنگ اصیل آن ملت یا جامعه رسوخ می‌کنند که از درون هسته مقاومت افراد را در برابر مفاسد و آسیب‌های فرهنگی تضعیف و آسیب‌پذیر می‌گردانند این قبیل کنش‌ها رفته رفته نهادینه شده حکم آداب و سنن حاکم بر جامعه را پیدا می‌کند و در نتیجه به استحاله فرهنگی و سرانجام به شکل‌گیری فرهنگی از نوع جدید می‌انجامد که با فرهنگ اولیه و اصیل تفاوت بارز دارد. خطر کم رنگ شدن ارزش‌های والای فرهنگی و یا حتی خطر نابودی فرهنگ اصیل و بنیادین جوامع اسلامی ممکن است از درون و بطن جامعه متوجه ساختار فرهنگی جامعه شود، همان گونه که می‌تواند از پذیرش و یا آمادگی برای پذیرش ارزش‌های وارداتی فرهنگ بیگانه ناشی گردد (شریعتمداری، ۱۳۹۳: ۹۲). به هر حال بحث از عوامل و عناصر آسیب‌رسان فرهنگی و یا بحث از ساختار آسیب‌پذیری فرهنگ به قالب و زمینه آسیب شناسی فرهنگی مربوط می‌شود. همان طور که بحث از ریشه‌ها و عوامل زمینه ساز رسوخ فرهنگ وارداتی در آسیب شناسی فرهنگی جای می‌گیرد (رهنمایی، ۱۳۸۹: ۲۵).

عموماً فرهنگ یک جامعه یعنی راه‌های زندگی آن جامعه. فرهنگ به معنای آداب خوب نیز استعمال شده است. فرهنگ از نظر یک جامعه شناس شامل کلیه رفتارهایی است که در زندگی اجتماعی آموخته شده و از طرق گوناگون بین نسل‌های مختلف یا افراد یک نسل انتقال پیدا کرده است (شریعتمداری، ۱۳۹۲: ۱۴۹). فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانینی، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی که فرد به عنوان عضو جامعه خود فرا می‌گیرد (مرتضوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷). آموزش و پرورش فرهنگی بهترین نتایج را زمانی خواهد داشت که به انواع مختلف هوش‌های دانش‌آموزان توجه شود. به عنوان مثال، با ارائه فعالیت‌های هنری برای تقویت هوش هنری، یا ارتقاء هوش اجتماعی از طریق فعالیت‌های گروهی، می‌توان شخصیت دانش‌آموزان را به صورت گسترده‌تری توسعه داد (احمدی و حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۳). در زمینه نظریه تحول شخصیت اریکسون، می‌توان اجزاء مختلف فرهنگی مدرسه را به عنوان عوامل مؤثر در هر مرحله از تحول شخصیتی دانش‌آموزان شناخت. برای مثال، در مرحله تلاش برای تجربه هویت، آموزش و پرورش فرهنگی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا هویت شخصی خود را شناسایی و تعریف کنند (رضوانی، ۱۳۹۹: ۴۸۳).

مطالعه فرهنگ و عناصر عمده آن برای هر فرد لازم و ضروری است، اما پیش از همه معلم باید به فرهنگ جامعه آشنا باشد. مدرسه هدف خود را از جامعه می‌گیرد و یکی از وظایف مدرسه آشنا ساختن افراد به فرهنگ جامعه است. بنابراین، برای اینکه معلم بهتر ریشه و اساس هدف‌های تربیتی را درک کند و با وضع صحیح تری شاگردان را به امور فرهنگی آشنا سازد، باید

مطالعاتی عمیق و اساسی درباره فرهنگ جامعه داشته باشد. تهیه برنامه‌های آموزشی و انتخاب مواد مفید و لازم، کار مدرسه و معلم است. در هر جامعه منبع قدرت و منشا افکار و عقاید، امور خاص می‌باشند. در جامعه‌ای علم و منطق هادی و راهنمای افراد در رفتار و عقاید و افکار آنهاست، در جامعه دیگر آداب و رسوم و سنت‌های گذشته حاکم بر اعمال و افکار می‌باشند؛ در یک اجتماع عقاید دینی به طور موثر نفوذ دارند و در جامعه دیگر هر یک از این عوامل در حد خود در افکار و نظریات و عادات مردم تأثیر دارد. بنابراین معلم باید کاملاً به وضع فرهنگی و اجتماعی آشنا باشد تا بهتر بتواند وظیفه تربیتی خود را انجام دهد (شریعتمداری، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

نظریه تعلیم و تربیت به این باور است که فرآیند آموزش و پرورش تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه شخصیت دانش‌آموزان دارد. این نظریه به طور گسترده به فرآیند انتقال دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و اخلاقیات به دانش‌آموزان توجه دارد. آموزش و پرورش فرهنگی با ارائه دانش و مفاهیم فرهنگی، می‌تواند دانش‌آموزان را به تفکر کردن پویا و پرسشگر ترغیب کند، که این امر به توسعه ذهنی و شخصیت آنها کمک می‌کند (اکبری و رجبیان، ۱۳۹۹: ۱۷۴). آموزش و پرورش فرهنگی نقش اساسی در انتقال ارزش‌ها و اخلاقیات به دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این فرآیند می‌تواند در تشکیل ارزش‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی آنها اساسی باشد. آموزش و پرورش فرهنگی می‌تواند به توسعه مهارت‌های زندگی افراد، از جمله مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، و تفکر انتقادی، کمک کند. این مهارت‌ها به تشکیل شخصیت قوی و توانمندی فرد در مواجهه با چالش‌های زندگی کمک می‌کنند (ملکزاده و حیدری، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

نظریه یادگیری اجتماعی به این باور است که یادگیری نه تنها توسط فرآیندهای شخصی بلکه از طریق تعاملات اجتماعی و تجربیات گروهی نیز صورت می‌گیرد. این نظریه در زمینه آموزش و پرورش فرهنگی و توسعه شخصیت دانش‌آموزان نقش‌های مهمی دارد. دانش‌آموزان از طریق تعامل با محیط اجتماعی خود نمونه‌ها و نقش‌مدل‌هایی را مشاهده می‌کنند (ملکزاده و حیدری، ۱۳۹۶: ۱۲۴). آموزش و پرورش فرهنگی می‌تواند با ارائه نمونه‌های مثبت و ارتقاء مدل‌های الگویی، توسعه شخصیت دانش‌آموزان را تقویت کند. آموزش و پرورش فرهنگی به عنوان یک محیط اجتماعی، فرصت‌هایی را برای تمرین و تقویت مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌کند. این مهارت‌ها شامل همکاری، ارتباط موثر، و حل مسائل گروهی می‌شوند که به توسعه شخصیت دانش‌آموزان کمک می‌کنند (احمدی و حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۳). تعاملات گروهی در محیط آموزش و پرورش فرهنگی، افراد را در معرض انواع انگیزه‌ها، انگیزه‌های اجتماعی و تجارب متنوع قرار می‌دهد. این تعاملات گروهی می‌توانند تفاوت‌ها و تنوع را تقویت کرده و در نتیجه، به توسعه شخصیت دانش‌آموزان ارتقاء بخشند. یادگیری اجتماعی بر اساس تجربه و تعامل با دیگران است. آموزش و پرورش فرهنگی این فرآیند را تسهیل می‌کند و به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا از تجربیات گروهی خود درک عمیق‌تری از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی پیدا کنند (آقاخانی، ۱۳۹۸: ۳۵۲).

نظریه روانشناسی هویت بر این اصل تأکید دارد که هویت فردی نه تنها تأثیر اندیشه‌ها و احساسات فرد، بلکه از تعامل با محیط اطراف و دیگر افراد نیز متأثر می‌شود. آموزش و پرورش فرهنگی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا هویت شخصی خود را بشناسند. این فرآیند شامل درک از خود، ارزش‌ها، اهداف، و جایگاه اجتماعی فرد در جامعه می‌شود (رضوانی، ۱۳۹۹: ۴۸۳). آموزش و پرورش فرهنگی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های موفقیت و تجربه احساس ارتباط و ارزشمندی برای دانش‌آموزان، به تقویت اعتبار شخصی و افزایش اعتماد به نفس آنها کمک کند. آموزش و پرورش فرهنگی با معرفی دانش‌آموزان به تجربیات فرهنگی متنوع، تأثیر بزرگی بر هویت آنها خواهد داشت. این تجربیات می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا به یک نگرش گسترده‌تر نسبت به جهان پیش بروند. آموزش و پرورش فرهنگی به عنوان یک فرآیند پیچیده، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند تا در فرآیند شکل‌دهی هویت خود تعامل داشته باشند و تصمیم‌های آگاهانه‌تری بگیرند (اکبری و رجبیان، ۱۳۹۹: ۱۷۵).

توسعه شخصیت دانش‌آموزان به معنای پروسه‌ای است که در آن افراد در طول زمان تغییراتی در ارکان اصلی شخصیتی خود، از جمله اعتقادات، ارزش‌ها، رفتارها، و مهارت‌ها تجربه می‌کنند. این فرآیند بر اساس تعامل مستمر با محیط اطراف، تجارب زندگی، آموزش و پرورش، و ارتباطات اجتماعی شکل می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۹۹: ۴۸۰). فرآیند آموزش و پرورش، به خصوص آموزش و پرورش فرهنگی، نقش اساسی در توسعه شخصیت دانش‌آموزان دارد. انتقال دانش، ارزش‌ها، و مهارت‌های متنوع باعث تشکیل شخصیت یکنواخت و هماهنگ می‌شود. تجارب زندگی، از جمله مواجهه با چالش‌ها، موفقیت‌ها، و تجربیات اجتماعی، تأثیر بسزایی در توسعه شخصیت دانش‌آموزان دارد. این تجارب باعث تقویت مهارت‌ها، ارتقاء اعتماد به نفس، و شکل‌دهی بهتر هویت فردی می‌شوند. ارتباطات با دیگران، از دوستان تا معلمان و خانواده، نقش حیاتی در شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموزان دارد. این ارتباطات به انعطاف‌پذیری، تعامل اجتماعی مؤثر و توانمندسازی افراد کمک می‌کنند (آقابابائی و محمدی، ۱۳۹۷: ۲۶۲). توسعه شخصیت نیازمند خودآگاهی است. دانش‌آموزان با شناخت عمیق از خود، نقاط قوت و ضعف خود، و اراده به بهبود مستمر، می‌توانند شخصیت قوی‌تری پیش ببرند. توسعه شخصیت دانش‌آموزان نه تنها به ابعاد تحصیلی بلکه به جوانب اخلاقی، اجتماعی، و عاطفی نیز توجه دارد. این فرآیند مهم در ساختار آموزش و پرورش برنامه‌ریزی شده و مدیریت شده، با هدف تقویت و شکل‌دهی بهتر فرد در مسیر رشد و پیشرفت است (حسین‌زاده و غلامی، ۱۳۹۷: ۲۷).

هدف عمده آموزش توانا کردن دانش‌آموز برای تصمیم‌گیری‌ها در زندگی روزمره است به همین دلیل دانش‌آموز باید، در فرآیند آموزش، مهارت‌های لازم برای خودارزیابی کردن را نیز فرا بگیرد. آگاه شدن دانش‌آموز در فرآیند ارزشیابی خود او را به

فرد آگاهی تبدیل می کند که به فراشناخت رسیده است که می توان معلم را به عنوان الگوی یادگیری دانش آموز معرفی کرد (رستگار، ۱۳۸۲: ۲۱۲). بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه ای دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه از بدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب با شد، ناچار دیگر ابعاد جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می کند و بالاخره در آن مستهلک می شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می دهد (شعبانی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

رهبر معظم انقلاب در تبیین فرهنگ اسلامی می فرماید: «فرهنگ مایه اصلی هویت ملت هاست. فرهنگ یک ملت است که می تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، نو آور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفت هایی که دیگران به آن تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته ای در مجموعه بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند (قربانی گلشن آباد، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

در برخی روایات، عالم و معلم پاسدار مرزهای فرهنگی مسلمانان شمرده شده اند. از آنجا که اسلام همواره مخالفانی دارد که تلاش می کنند حقانیت و مقبولیت عقاید، ارزشها و معارف آن را زیر سوال ببرند، لازم است گروهی از این مرزها مانند مرزهای جغرافیایی مسلمانان، حراست کنند. در یک جمع بندی کلی می توان گفت: مقام و منزلت، معلم در متون دینی مقام و منزلت پیامبر است و همان نقش هایی را بر عهده دارد که پیامبران داشتند؛ یعنی نقش تبیین و ترویج معارف اسلامی، هدایتگری، روشنگری، و دفاع از مرزهای فرهنگی اسلام. از آنجا که نقش و مقام معلمان مهم و اساسی است، مسئولیت آنان نیز بسیار سنگین است؛ زیرا دو چیز گرانبها به امانت در اختیار آنان قرار داده شده است: نخست علم و فرهنگ اسلامی و دیگر، نسل جدید جامعه، نگهداری و حراست از این دو، نیاز به فداکاری و تلاش دارد. امام خمینی (ره) می فرماید: معلم امانت داری است که غیر همه امانتها، انسان امانت اوست (داوودی، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

کلاس درس به عنوان یک سیستم اجتماعی، محلی برای تعلیم و تربیت است. دانش آموزان به عنوان یک گروه اجتماعی دارای باورها، هنجارها، و ارزش های مشترکی هستند طوری که اصطلاحاً به آنان یک اجتماع کوچک می گویند. اگر به ویژگی ها، خواسته ها، نیازها و باورهای این گروه اجتماعی در فرایند یاددهی-یادگیری توجه نشود و فضا و محیط آموزشی به نحو مطلوب مدیریت نگردد فعالیت های آموزشی و پرورشی اثر بخشی و کارایی خود را از دست خواهد داد (شعبانی، ۱۳۹۱: ۱۲۲). دنیای امروز احتیاج به افرادی دارد که فکر و خرد را حاکم بر اعمال و افکار خویش قرار دهند. استقلال فکری، دارا بودن طرز تفکر انتقادی، داشتن سعه صدر یا روح تسامح و تحمل، فهم بین المللی و اجرای وظایف فردی و اجتماعی مستلزم داشتن رشد فکری است. رشد فکری نیز در سایه تعلیم و تربیت صحیح در میان افراد رسوخ پیدا می کند (شریعتمداری، ۱۳۹۳: ۱۰۷). محبوبیت معلم از دیگر شرایط لازم برای تاثیرگذاری بر شخصیت دانش آموزان است و بدون این شرط، تاثیر معلم در بهترین حالت محدود به ذهن و شناخت دانش آموز است. محبوبیت معلم به او این امکان را می دهد تا به آسانی موانع تبدیل باور ذهنی به ایمان قلبی را از میان بردارد و بدین تربیت، بذر باورهای دینی را در روح و قلب دانش آموزان به بار بنشانند (داوودی، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

۲- روش تحقیق، جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه روانشناسان و دانش آموزان دختر متوسطه دوم آموزش و پرورش شهر یزد می باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به تحصیل اشتغال دارند. از بین این افراد ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و برای افزایش ضریب دقت در تعمیم نتایج و رعایت جانب احتیاط در مورد پاسخ های مخدوش ۳۴۰ دانش آموز به عنوان نمونه انتخاب می شوند. به منظور انتخاب آزمودنی ها در پژوهش حاضر از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شد. سپس کلیه ی دانش آموزان انتخاب شده درآزمون مورد ارزیابی قرار گرفتند. در مورد روانشناسان به صورت سرشماری و همخوان با جامعه ی آماری انجام شد یعنی؛ تمامی جامعه روانشناسان (۵۸ نفر) به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

۳- یافته های تحقیق

همان طوری که اطلاعات جدول و نمودار ۱ نشان می دهد، ۱۶/۲ درصد پاسخگویان روانشناس و ۸۳/۳ درصد دانش آموز می باشند.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان

پاسخگویان	فراوانی	درصد	درصدتجمعی
روانشناسان	۵۸	۱۶/۲	۱۶/۲
دانش آموزان	۳۰۰	۸۳/۸	۱۰۰/۰
کل	۳۵۸	۱۰۰	

فرضیه ۱: بین دیدگاه دانش آموزان و روانشناسان در خصوص نقش آموزش و پرورش فرهنگی در توسعه شخصیت دانش آموزان تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون خی دو مربوط به نقش آموزش و پرورش فرهنگی در توسعه شخصیت دانش آموزان از دیدگاه روانشناسان و دانش آموزان

پاسخگو	میزان	فراوانی مشاهده شده	درصد	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره مجذور خی (خی دو)	درجه آزادی	سطح معناداری
روانشناسان	کم	۸	۱۳/۸	۱۹/۳	-۱۱/۳	۱۶/۱۷۲	۲	۰/۰۰۱
	متوسط	۲۸	۴۸/۳	۱۹/۳	۸/۷			
	زیاد	۲۲	۳۷/۹	۱۹/۳	۲/۷			
	کل	۵۸	۱۰۰/۰					
دانش آموزان	کم	۴۳	۱۴/۳	۱۰۰/۰	-۵۷/۰	۴۵/۵۰۰	۲	۰/۰۰۱
	متوسط	۱۶۱	۵۳/۷	۱۰۰/۰	۶۱/۰			
	زیاد	۹۶	۳۲/۰	۱۰۰/۰	-۴/۰			
	کل	۳۰۰	۱۰۰/۰					

همان طوری که نتایج جدول ۲ نشان می دهد، مقدار آماره ی دو مربوط به دیدگاه روانشناسان (۱۶/۱۷۲) در سطح $\alpha = 0.01$ معنی دار است (p < 0/01) لذا چنین استنباط می شود که بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد، بر این اساس و با توجه به فراوانی های مشاهده شده و درصدهای مربوطه (کم ۱۳/۸٪ و متوسط ۴۸/۳٪ و زیاد ۳۷/۹٪) می توان نتیجه گرفت که از دیدگاه روانشناسان، نقش آموزش و پرورش فرهنگی در توسعه شخصیت دانش آموزان در حد متوسط تا زیاد است. از طرفی مقدار آماره خی دو مربوط به دیدگاه دانش آموزان (۴۵/۵۰۰) در سطح $\alpha = 0.01$ معنادار است (p < 0/01). لذا چنین استنباط می شود که بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنی دار وجود دارد، بر این اساس و با توجه به فراوانی های مشاهده شده و درصدهای مربوطه (کم ۱۴/۳٪ و متوسط ۵۳/۷٪ و زیاد ۳۲/۰٪) می توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دانش آموزان، نقش آموزش و پرورش فرهنگی در توسعه شخصیت آنان در حد متوسط است.

۴- نتیجه گیری

مربیان تعلیم و تربیت که متولیان این امر مهم هستند باید ابتدا الگویی شایسته برای فرزندان باشند و فضایی سرشار از صمیمیت و محبت قرار دهند تا فرزندانمان به دور از هر تندی و فشار ارزش ها را بپذیرند و اعتقادات و باورهای مهم زندگی را برای فرزندانمان تشریح کنند و خود را نسبت به اجرای قوانین و مقررات پای بند بدانند و همیشه و در همه حال از نوجوانان و جوانان بخواهند ارزش ها و اعتقادات را مهم بدانند و از تعلیم و تربیت صحیح غافل نشوند. والدین عزیز باید بدانند که تربیت پرهیزی به مراتب از تربیت تجویزی، دستوری و نسخه ای اثر بخش تر است و مطمئن باشند تربیت و خاموشی از تربیت گویا مؤثر تر است به خدا توکل کنند و برای فرزندان خود آرزوهای مثبت داشته باشند و آن گاه منتظر مردان و زنان فاخر و ارزشمند جامعه ای با فرهنگ والای ایرانی و اسلامی باشند.

آموزش و پرورش فرهنگی با تأثیر گذاری بر ارزش ها، اخلاقیات، و هویت فردی دانش آموزان، نقش بسیار مهمی در توسعه شخصیت ایشان ایفا می کند. نظر به اهمیت این فرآیند در ساختار آموزش و پرورش، نیاز است تا راهکارها و استراتژی های موثرتری در جهت بهبود این فرآیند طراحی و اجرا گردد. با تأکید بر تعاملات اجتماعی، ارتقاء هویت فردی، و توسعه مهارت های زندگی، می توان بهبود یافته در عرصه توسعه شخصیت دانش آموزان دست یافت و اساسی ترین هدف های آموزشی را تحقق بخشید. آموزش و پرورش فرهنگی نه تنها به انتقال دانش و مهارت های علمی محدود نمی شود، بلکه به شکلی فعال در ساختار شخصیتی دانش آموزان دخیل است. ارتقاء ارتباطات اجتماعی، ترویج ارزش های اخلاقی و تسهیل تجارب آموزشی متنوع، مواردی هستند که از طریق آنها توسعه شخصیت دانش آموزان تسریع می یابد.

توسعه شخصیت دانش آموزان در بهبود کیفیت زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه ای آنان اساسی است. لازم است که نهادهای آموزشی و اجتماعی به طور هماهنگ و هدفمند، سیاست ها و برنامه هایی را پیاده سازی نمایند که به بهبود فرآیند توسعه شخصیت دانش آموزان اختصاص یابد و ایشان را برای مواجهه با چالش ها و مسائل زندگی مسلح سازد. در نهایت، تسهیل این فرآیند می تواند به بهبود جوامع و جامعه در کل نیز برتری بخشد.

پیشنهادات:

۱. ارتقاء برنامه های آموزشی با توجه به اصول توسعه شخصیت، از جمله ترویج ارزش ها و مهارت های زندگی، می تواند به بهبود فرآیند توسعه شخصیت دانش آموزان کمک کند.

۲. ایجاد فرصت‌های بیشتر برای شرکت در فعالیت‌های هنری و فرهنگی، مانند نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های هنری، می‌تواند به تنوع و افزایش تجربه‌های فرهنگی دانش‌آموزان منجر شده و توسعه شخصیت را ترویج کند.
۳. اشتراک خانواده در فرآیند آموزش و پرورش فرهنگی و توسعه شخصیت دانش‌آموزان بسیار حائز اهمیت است. برنامه‌ها و فعالیت‌ها باید طراحی شوند تا ارتباطات فعال با خانواده ترویج شود.
۴. انتقال محتواهای فرهنگی از طریق پلتفرم‌های آنلاین و فناوری‌های مدرن، می‌تواند به بهبود دسترسی دانش‌آموزان به منابع فرهنگی و تقویت تجربیات آنها در این زمینه کمک کند.

منابع

۱. احمدی، رضا و حسن‌زاده، علی (۱۳۹۸)، «بررسی نقش تجربیات فرهنگی در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان»، فصلنامه مطالعات فرهنگ و هنر، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۲۹-۵۲.
۲. آقابابائی، شهریار و محمدی، حسین (۱۳۹۷)، «اثر بخشی فعالیت‌های فرهنگی بر توسعه مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان»، مجله تازه‌های علوم تربیتی، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۲۵۷-۲۷۸.
۳. آقاخانی، کاظم (۱۳۹۸)، «تأثیر برنامه‌های آموزشی فرهنگی بر ارتقاء هویت فردی دانش‌آموزان»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۳۴۵-۳۶۲.
۴. اکبری، محمد و رجبیان، علی (۱۳۹۹)، «تحلیل اثرات تجربیات فرهنگی در مدرسه بر رشد شخصیتی دانش‌آموزان»، فصلنامه توسعه آموزش، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۱۶۹-۱۸۷.
۵. حسین‌زاده، علی و غلامی، ناهید (۱۳۹۷)، «نقش مشارکت خانواده در فرآیند آموزش و پرورش فرهنگی»، فصلنامه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۲۱-۴۰.
۶. داوودی، محمد (۱۳۹۰)، «نقش معلم در تربیت دینی»، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. رستگار، طاهره (۱۳۸۲)، «ارزشیابی در خدمت آموزشی»، چاپ اول، چاپ محرر، انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
۸. رضوانی، مهدی (۱۳۹۹)، «تحلیل نظریه‌های روان‌شناختی در توسعه هویت فردی»، فصلنامه مشاوره شخصی و اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۴۷۷-۴۹۶.
۹. رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۹)، «نقش تعلیم و تربیت در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی»، فصل نامه معرفت، شماره ۳۰، صص ۲۵-۳۰.
۱۰. شریعتمداری، علی (۱۳۹۲)، «جامعه و تعلیم و تربیت»، چاپ بیست و چهارم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۱. شریعتمداری، علی (۱۳۹۳)، «روانشناسی تربیتی»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. شعبانی، حسن، (۱۳۹۱)، «مهارت‌های آموزشی و پرورشی»، جلد اول، تهران: سمت.
۱۳. فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۷)، «آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات»، انتشارات بدر.
۱۴. قربانی گلشن آباد، محمد (۱۳۹۰)، «فرهنگ و تهاجم فرهنگی»، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. مرتضوی، مهدی، قلی‌پور، آرین، پورعزت، علی اصغر و اشرفی، وحید (۱۳۸۸)، «مدیریت تغییر و تحول فرهنگ سازمانی از نظر تا عمل»، همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.
۱۶. ملک‌زاده، حسین و حیدری، محمد (۱۳۹۶)، «اثر بخشی برنامه‌های آموزشی فرهنگی بر شخصیت دانش‌آموزان»، مطالعات برنامه‌ریزی درسی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۲۳-۱۴۶.
۱۷. نجفیان، امیر و جعفری، حسین (۱۳۹۵)، «تأثیر یادگیری اجتماعی بر توسعه شخصیت دانش‌آموزان»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۴۸، شماره ۴، صص ۵۰۱-۵۱۶.